

بسم الله الرحمن الرحيم

وحدت امت؛ مسئله سرنوشت‌ساز!

(ترجمه)

سخن گفتن از اسلام، به معنای سخن گفتن از نظام وحدت‌بخش اسلام است؛ زیرا اسلام وحدت مسلمانان را یک مسئله‌ی اختیاری وابسته به شرایط، زمان و مکان قرار نداده، بلکه آن را بر امت و حاکمان واجب کرده و آن را تنها شکل مشروع نظام حکومتی اسلامی دانسته است. از همین رو، اسلام برای کسانی که در پی تفرقه‌افگنی و تقسیم امت باشند، مجازات سختی تعیین کرده است. پس نظر به این سخن رسول الله ﷺ که فرمود:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَتْلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

ترجمه: اگر به دو خلیفه بیعت شد، پس خلیفه‌ی دوم را بکشید.

این حدیث، ریختن خون مسلمانی را که با تعیین خلیفه‌ی دوم باعث تفرقه در میان امت می‌شود، مباح دانسته است؛ زیرا این کار موجب تقسیم امت میان او و خلیفه‌ی نخست می‌گردد و مانند این حدیث رسول الله ﷺ که فرمود:

«إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّكَ مِنْ كَانٍ»

ترجمه: به زودی فتنه‌ها و مشکلاتی پیش خواهد آمد. پس هر کس بخواهد وحدت این امت را، در حالی که یکپارچه است، از هم بپاشد، گردنش را با شمشیر بزنید، هر که می‌خواهد باشد.

این حدیث نشان می‌دهد که مجازات کسی که قصد تفرقه‌افکنی در میان امت را دارد و جز با شمشیر بازداشته نمی‌شود، اعدام با شمشیر است. و مانند این حدیث:

«مَنْ أَتَاكُمْ وَأَمْرُكُمْ عَلَى رَجُلٍ وَاحِدٍ يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَاكُمْ أَوْ يُفَرِّقَ جَمَاعَتَكُمْ فَأَقْتُلُوهُ»

ترجمه: هر کس به سوی شما بیاید، در حالی که کار (حکومت) شما بر یک مرد واحد است و بخواهد وحدت شما را بشکند یا جماعت شما را از هم بپاشد، او را بکشید.

این حدیث نیز به روشنی بر وجوب مقابله با هر تلاشی که باعث تفرقه در میان مسلمانان یا شکستن وحدت آن‌ها شود، دلالت دارد. بنابراین، مسئله‌ی وحدت امت از مسائل حساس و حیاتی است که هیچ‌گونه تساهل یا سهل‌انگاری در آن جایز نیست.

پس جرم حاکمان در این روزگار، که امت را به بیش از پنجاه دولت تقسیم کرده‌اند، جرمی بزرگ است و مسئله‌ای ساده و بی‌اهمیت به شمار نمی‌رود. هنگامی که از وجوب وحدت امت تحت رهبری یک خلیفه و در چارچوب یک دولت واحد سخن می‌گوییم، با اطمینان کامل و اعتقاد راسخ از حکمی سخن می‌گوییم که از سوی الله واجب و قابل اجرا است. اما اجرای این حکم در شرایطی که حاکمان کنونی همچنان بر سر قدرت باشند، قابل تصور نیست؛ حاکمانی که امت را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده‌اند و تلاش کرده‌اند تا با تبدیل آن به دولت‌های جداگانه و محصور کردن آن‌ها در مرزها، پرچم‌ها و قانون‌های اساسی جداگانه، از بازگشت وحدت امت جلوگیری کنند.

بنابراین، سخن گفتن از وحدت امت به معنای سخن گفتن از برکناری حاکمان و کنار زدن آن‌ها از تخت‌های قدرت و برپایی خلافتی واحد به جای آن‌هاست. زیرا حاکمان و نظام‌هایی که تحت حمایت غرب هستند، مانع اصلی در برابر وحدت و عزت امت به شمار می‌روند.

ما با چشمان خود دیده‌ایم که چه بلایی بر سر ما آمده، نتیجه‌ی تفرقه‌ای که استعمار آن را ایجاد کرد و حکام در سرزمین‌های اسلامی از آن پاسداری کردند. غزه از گردن بریده شد، اما امت به دلیل همین تفرقه و جدایی که حاکمان و غرب ایجاد کردند، توان یاری آن را نداشت.

پیش از غزه نیز، عراق، افغانستان، چین و آلبانی مورد هجوم قرار گرفتند، اما امت به دلیل وضعیت تفرقه و پراکندگی نتوانست از آن‌ها حمایت یا به آن‌ها کمک کند. این شرایط باعث شد که یکی پس از دیگری استعمار بتواند به صورت جداگانه بر سرزمین‌های ما مسلط شود، در حالی که امت این وضعیت را تماشا می‌کرد و با چشمانی اشکبار، بدون هیچ واکنشی نظاره‌گر بود. در حالی که در تاریخ امت هرگز اتفاق نیفتاده است که امت در حالی که متحد بوده، شکست بخورد.

بنابراین، مسئله‌ی وحدت امت یک مسئله‌ی حیاتی و سرنوشت‌ساز است، نه مسئله‌ای فرعی یا حاشیه‌ای؛ زیرا وحدت است که به امت قدرت و هیبت می‌بخشد و ظرفیت‌های امت را در یک مسیر واحد گرد هم می‌آورد. وحدت، امت را شکست‌ناپذیر می‌سازد، به گونه‌ای که زمین را زیر گام‌های خود درنوردیده و دولت‌ها را یکی پس از دیگری با فتح و سیادت به زیر سلطه در می‌آورد.

نویسنده: مهندس باهر صلاح

مترجم: پارسا امیدی